



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۹/۱۶

نویسنده: پول گریگ رابرت

مترجم: سید حسام مل

راه آرماگدون

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ ۲۰۲۶/۰۹/۱۵

آرماگدون به معنای نبرد نهایی پیشگویی شده بین نیروهای خیر و شر در پایان جهان است..... تفصیل توسط این قلم

جهان با دو جبهه جنگی بزرگ روبرو است که هر دو در حال گسترش هستند و می‌توانند از کنترل خارج شوند. اوکراین نماینده واشنگتن در جنگ غرب علیه روسیه است، جنگی که به اعماق روسیه و بسیار دورتر از جبهه دونباس گسترش یافته است.

کشورهای ناتو مانند آلمان و بریتانیا کبیر و همچنین ایالات متحده آشکارا در این درگیری علیه روسیه درگیر هستند. آلمان و بریتانیا کبیر طیارات بی سرنشین دوربرد را می‌سازند که اوکراین با سیستم هداف گیری واشنگتن از آنها برای حمله به تولیدات نفتی، پالایشگاه‌های نفت و انبارهای انرژی روسیه در داخل روسیه و همچنین میدان‌های هوایی، خانه‌های مسکونی غیرنظامیان، مدارس کودکان و گردشگران استفاده می‌کند. رئیس‌جمهور روسیه از پذیرش این حملات به عنوان حملات جنگی خودداری می‌کند و آنها را "اقدامات تروریستی" می‌نامد. پوتین وانمود می‌کند که این درگیری صرفاً یک "عملیات نظامی خاص" محدود به اوکراین در دونباس است.

"عملیات نظامی خاص" به مدت ۴.۵ سال ادامه داشته است که در طی آن دو کشور دیگر به ناتو پیوسته و علیه روسیه متحد شده‌اند.

اعضای بیشتری از ناتو سیاست‌های خود را تغییر داده‌اند و تمایل خود را برای میزبانی از سلاح‌های هسته‌ای واشنگتن در خاک خود در مرز روسیه اعلام کرده‌اند.

کشورهای ناتو آشکارا از آماده شدن برای جنگ علیه روسیه در سه سال آینده صحبت می‌کنند. هر سیستم تسلیحاتی که واشنگتن و اعضای ناتو گفته بودند ارسال نخواهد شد، به اوکراین ارسال شد. مذاکرات صلح روسیه با ترامپ به جایی نرسید، اما پوتین هنوز به آنها اعتقاد دارد. زلنسکی اکنون با طیارات بی سرنشین آلمانی و بریتانیایی خود تهدید می‌کند که حریم هوایی روسیه را به روی پروازهای تجاری می‌بندد. روسیه در حال جنگ با نماینده غرب - اوکراین - است، نه دشمن غربی روسیه. اوکراین فقط به دلیل حمایت و تحریک غرب در این جنگ است.

بدیهی است که روسیه در یک درگیری وجودی قرار دارد. روسیه تا چه مدت می‌تواند واقعیت را انکار کند و وقتی به آن حد برسد، احتمالاً پشت روسیه به دیوار خواهد خورد، که در این صورت سلاح‌های هسته‌ای روسیه از راه می‌رسند.

در شرق میانه، ایران نه با دشمن ایران، بلکه با نماینده دشمن ایران - واشنگتن - اسرائیل درگیر است. بنابراین ما دو جنگ داریم که در آنها نمایندگان، نه تحریک‌کنندگان، عواقب آن را متحمل می‌شوند. از آنجایی که این به نفع تحریک‌کنندگان است، از آنجایی که هیچ هزینه‌ای ندارند، درگیری‌ها می‌توانند تا زمانی که غیرقابل مدیریت شوند، ادامه یابند.

ما با خودفریبی عظیم روسیه و ایران روبرو هستیم. روسیه با اوکراین، بخشی سابق از روسیه، می‌جنگد، نه با واشنگتن و ناتو. ایران با واشنگتن می‌جنگد، نه با اسرائیل که واشنگتن عروسک خیمه‌شب‌بازی آن است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولئ

بنابراین ما دو کشور مورد حمله قرار گرفته ایم که هیچ‌کدام با دشمن واقعی خود مقابله نمی‌کنند. این یک سناریوی عالی برای از کنترل خارج شدن امور است.

با این نکته، اکنون از خود بپرسید که چرا ایالات متحده با ایران در جنگ است. ما می‌دانیم که چرا واشنگتن با روسیه در جنگ است. روسیه یک قدرت نوظهور است که هژمونی واشنگتن بر جهان را محدود می‌کند و بنابراین، در مسیر هژمونی واشنگتن قرار دارد. دکترین سیاست خارجی آمریکا - دکترین ولفوویتز - می‌گوید که هدف اصلی سیاست ایالات متحده جلوگیری از ظهور هر کشوری است که می‌تواند به عنوان محدودیتی بر یکجانبه‌گرایی واشنگتن عمل کند.

روسیه و چین آشکارا قدرت‌های جهانی هستند، اما چرا نگرانی هژمونیک واشنگتن با ایران، که [قدرت جهانی] نیست، وجود دارد؟ پاسخ این است که ایران در مسیر دستور کار صهیونیستی اسرائیل برای اسرائیل بزرگ قرار دارد، که قلمرو دولت اسرائیل را از نیل تا پاکستان تعریف می‌کند.

واشنگتن در تمام قرن بیست و یکم برای اسرائیل بزرگ جنگیده است. این هدف یازده سپتامبر بود، یک هماهنگی داخلی توسط نومحافظه کاران صهیونیست آمریکایی برای ایجاد "پرل هاربر جدید" مورد نیاز برای حملات قرن بیست و یکم واشنگتن که نه "هفت کشور مشخص شده در پنج سال" بلکه سه کشور - عراق، لیبی و سوریه - را در ۲۵ سال نابود کرده است، با حمله فعلی به ایران در حال انجام است. این مقدار زیادی جنگ برای اسرائیل است. آنچه من ارائه داده‌ام حقیقت است. اما هیچ آگاهی یا بحثی در مورد این حقیقت در آمریکا یا اروپای غربی نتیجه نمی‌دهد یا امکان‌پذیر نیست.

لابی قدرتمند اسرائیل تمام حقایق نامطلوب برای گسترش اسرائیل را یهود ستیزانه تعریف کرده است. مگر اینکه بازنشسته باشند، هیچ استاد، هیچ تحلیلگر سیاست خارجی، هیچ مقام دولتی یا دانشجویی نمی‌تواند از برجسب یهودستیز بودن جان سالم به در ببرد. قدرت توجیهات خودساخته اسرائیلی‌ها برای جنگ‌ها و نسل‌کشی فوق‌العاده است. تنها ۷.۷ میلیون یهودی در اسرائیل وجود دارد؛ با این حال، آنها بحث خشونت را که خود مسئول آن هستند، کنترل می‌کنند.